



جذب کمیونست کارگری - کمیونست

۱۲۸ اسفند ۱۳۸۸
۱۹ مارس ۲۰۱۰

خالد حاج محمدی
فقر سر نوشت محتوم ما نیست
در حاشیه حداقل دستمزدها
در سل ۸۹

سرانجام شورای عالی کار بعد از ۶ ماه بحث و ارائه امار و ارقام پوچ ، ۳۰۳ هزار تومان را به عنوان حداقل دستمزد به تصویب رساند. در این ۶ ماه کلی تبلیغات مسموم زیر نام "کار کارشناسانه، تحقیقات علمی و تلاش برای تعیین مزد عادلانه" را به خورد طبقه کارگر دادند و سرانجام شمشیر خونین طبقه بورژوا را عمیقتر از هر زمان در قلب این طبقه فروبردند. دستمزد سال ۸۹ کارگران در ایران یک پنجم خط فقر اعلام شده از جانب همین باند و مراجع رسمی دولت سرمایه داران است. نتیجه این تعرض جز فقر و محرومیت، کار ارزان و انشقاق بیشتر در صفوف کارگران و مسابقه برای تامین زندگی نخواهد بود.

کل این اتفاق نشان داد که تمام بحثهای این مدت محافل ضد کارگری شورای عالی کار و نماینده کارفرمایان و خانه کارگر و شوراهای اسلامی و دولتشان، تنها برای تحمیق و برای تعیین میزان توان طبقه بورژوا ایران در عقب راندن توقع طبقه کارگر در میزان سهم از دستمزد خود بود. روشن بود که تحقیقات شورای عالی کار و دلالتان خانه کارگر

صفحه ۲

هفتگی

تبریک سال نو

کارگران، مردم آزادیخواه

سال نو را صمیمانه به همگی شما تبریک میگوئیم. سالی که گذشت برای طبقه کارگر ایران، برای زن و جوان و مردم آزادیخواه سالی پر از مشقت بود. همزمان سال جدال جناحهای حکومتی برای منافع زمینی خود بر دوش مردم آزادیخواه و به اسم منفعت آنان بود. سالی که گذشت سال پورش لجام گسیخته به سطح معیشت طبقه کارگر و به دستاوردهای صف آزادیخواهی، سال حاشیه ای کردن اعتراض رادیکال و انسانی زیر سلیه

فاتح شیخ

خاطره "کمون پاریس" همیشه زنده و آموزنده است

آری تجربه کمون برای طبقه کارگر همیشه درس آموز است؛ و در شرایط مشخص امسال، این تجربه تاریخی برای طبقه کارگر در ایران درسهای حیاتی و برجسته ای در بر دارد: در سال ۱۸۷۰، بیست و دو سال پس از سرکوب انقلاب ۱۸۴۸، حکومت ناپلئون سوم لونی بنپارت امپراتور کاریکاتور و احمق فرانسه، ناتوان از مقابله با بحران اقتصادی حاد و مبارزه کارگران در اعتراض به بیکاری و گرانی، در صدد ماجراجویی برآمد و برای فرونشاندن اعتراضات داخلی، راه جنگ خارجی با پروس را برگزید. نتیجه جنگ، شکست

مصاحبه با ریوار احمد

انتخابات و تشدید ناامنی در عراق

مونست: انتخابات عراق تمام شده است، تبلیغات تاکتونی رسانه های دول غربی و احزاب مختلف بورژوایی و قومی و مذهبی در عراق از آن به عنوان انتخابی آزاد نام میبرند، چقدر حقیقت در این ادعا موجود است. کلا ماجرا چه بوده است؟

ریوار احمد: بنیال اشغال عراق توسط

تلخیصی از "نامه" مرکز کانادایی حمایت از شکنجه شدگان" به اینترنت

صفحه ۳

جدال جناحهای بورژوازی ایران بود.

اما تسلیم به این تباهی سرنوشت محتوم نسل ما نیست. برای خاتمه دادن به فقر و محرومیت و بی عدالتی که به نام زندگی سهم ما شده است، طبقه کارگر راهی جز به میدان آوردن نیروی سازمان یافته و متحد خود، حول پرچم سیاسی روشن و مطالبات واقعی خود، حول آزادی و برابری است. باید سرنوشت خود را بدست بگیریم، باید دنیای شاد و برابر و انسانی را بادستان خود بسازیم و این کار از ما ساخته است.

به امید اینکه سال آتی برای مردم آزادیخواه در ایران، برای طبقه کارگر و صف آزادیخواهی در این جامعه سال دود شدن توهمات، سال اتحاد صف برابری

امپراتور در جبهه خارج و بریاد رفتن

امپراتوری در جبهه داخل بود. "مردم" در پاریس جمهوری اعلام کردند، اما همان روز اول روشن شد که آن "مردم" نه تنها منافع واحدی ندارند بلکه منافعیشان کاملا متضاد است. بر مبنای آن منافع متضاد، بلافاصله نبردهای طبقاتی حاد شعله ور شد. طبقه کارگر فرانسه به عیان مینید که اولین کار و مهمترین اولویت بورژوازی، عقب راندن و خلع سلاح او بود. کارگران انقلابی پاریس فقط در پرتو شناخت این واقعیت که "مردم" از طبقات مختلف تشکیل میشود، و کسب این آگاهی که بورژوازی به قدرت رسیده برای سرکوب طبقه کارگر از هیچ جنایت و قساوتی روگردان نیست، توانستند صفوف خود را جمع کنند، تن به خلع سلاح ندهند، برعکس با جسارت و قهرماتی تمام دست به قیام مسلحانه بزنند و با تکیه به نیروی متحد و مسلح خود "کمون پاریس" را برپا

داند.

۱۸ مارس سالروز "کمون پاریس" را هر کارگر انقلابی، هر کمیونست و هر مبارز آزادیخواه و برابری طلب باید از دل و جان بزرگ دارد و برای آموختن و آموزش تجربه هایش تلاش کند. روز قیام پاریس،
صفحه ۲

کمون ایست به توطئه تروریستی جمهوری اسلامی
دادگستری آلمان و دولت سوئد احکام جمهوری اسلامی علیه شخصت های اپوزیسیون را، فاقد کمترین اعتباری اعلام کردند!
صفحه ۳

آمریکا در چند سال اخیر، هر سناریویی در این کشور همواره اینچنین هیاهویی به همراه داشته است. اگر فرض را بر صحت ادعاهای رسانه های غرب و احزاب قومگرا و اسلامی و یا دولت آمریکا قرار دهیم، اکنون جامعه عراق می بایست غرق در رفاه، آسایش و امنیت می بود! ولی آنچه در یک تمیق چند لحظه ای میتوان مشاهده کرد خلاف آنرا نشان میدهد.
آنچه اخیراً تحت عنوان پروسه انتخابات آزاد معرفی شد، طبق ابتدایی ترین استانداردهای انتخابات بورژوایی، در واقع جدی روبرو میکند. تازه باید این فاکتور

حسین مرادبیگی
رویدادهای یونان، تجربه ای دیگر
صفحه ۴

سیف خدایاری
ساطور دین
صفحه ۳

آزادی، برابری، حکومت کارگری!

خاطره "کمون پاریس" ...

نترناسیونال و مغز و رهبر آن بود، علاوه بر اهمیت تاثیرگذاری آن بر کمون، از آن نظر هم مهم بود که مارکس روند جنگ فرانسه و آلمان و کل سرگذشت قیام پاریس و شکست آن را در متن اسناد درخشانی به گنجینه غنی تئوری کمونیسم اضافه کرد. دو قطعنامه درباره جنگ فرانسه و آلمان و رساله "جنگ داخلی در فرانسه" راجع به کمون، که هر سه به قلم مارکس و به نام انترناسیونال همزمان با رویدادها منتشر شدند، تمام تجارب و درسه‌ها، تمام دستاوردها و کمبودهای این خیزش شورانگیز کارگری را با دقت و موشکافی بی نظیر و نیز با انصاف و مسئولیت بی نظیر تحلیل و ثبت کردند و در اختیار کمونیستها و کارگران انقلابی و نسلهای بعدی شان گذاشتند.

از میان این تجارب، در این اشاره کوتاه، تنها میتوان بر چند مورد از مهمترینها تاکید گذاشت و خواننده را برای آموزش بیشتر به مطالعه نوشته های مارکس و انگلس و لنین در این زمینه فراخواند. از مهمترین تجارب اینکه قیام پاریس که با گرفتن قدرت توسط کمیته مرکزی "گارد ملی" شروع شد و دولت بورژواها را به فرار واداشت، تعرض خود را ادامه نداد، دولتیان فراری را بحال خود گذاشت و نیرویشان را متلاشی نکرد. تجربه کمون نشان داد که طبقه کارگر نمیتواند ماشین دولتی بورژوازی را دست نخورده در اختیار بگیرد، بلکه برای پیروزی ناچار است آن را در هم پاریس صورت گرفته است. نتیجتاً فعالترین کارگران، رهبران و مجریان آن بوده اند و البته ضمناً فعالترین کارگران، فعالان انترناسیونال نیز هستند ولی الزاماً سازمان انترناسیونال (از تحکیم و تثبیت آن در اختیار ارگانهای مصاحبه خبرنگار روزنامه World مارکس، ۳۱ ژوئیه ۱۸۷۱). این حقیقت که کارل مارکس، انقلابی بزرگ و متفکر کمونیست زمانه، در راس لغو ارتش سنتی و جلیگیزی آن با

تسلیم همگانی، جدا کردن کلیسا از دولت و قطع مستمری دولتی کشیشان، تعیین حداکثر حقوق کارکنان کمون در حد دستمزد عادی کارگران، پلین کشیدن ستون وانوم سمبل ناسیونالیسم فرانسه، سوزاندن گیوتین ها بعنوان سمبل مجازات اعدام و ... همچنین با تصویب مقرراتی در جهت بهبود شرایط کار و زندگی کارگران و توده های خرده بورژوازی، نظیر لغو کار شبانه نلواخانه ها، سپردن کارخانه های رها شده به تعاونیهای کارگران، لغو اجاره ها و سفته ها و ...، تعرض معینی به سرمایه کردند. اما دامنه اقدامات انقلابی و تعرض به سرمایه محدود بود. تجربه کمون نشان داد که طبقه کارگر بدون فرارقتن از کسب قدرت سیاسی به انقلاب اقتصادی و بدون دست بردن به ریشه مشقات طبقه کارگر یعنی سیستم مالکیت بورژوازی و بردگی مزدی (انقلاب مداوم در قلمرو اقتصاد) نمیتواند قدرت سیاسی را هم نگاهدارد و نیز یا زود مجدداً یوغ حاکمیت سرمایه و سرکوب بورژوازی را بر گردن خود خواهد یافت.

با اینهمه کمون پاریس، بعنوان نخستین تجربه مسلح شدن کارگران در ابعاد صدها هزاری و تن ندادن به تلاش بورژوازی برای خلع سلاح آنها، بعنوان نخستین تجربه در دست گرفتن قدرت توسط کارگران و اعمال حکومت شورائی، بعنوان تجلیگاه انسانیت و عدالتخواهی طبقه کارگر، بعنوان صحنه بروز قهرمانی و جانشانی طبقه کارگر برای رهایی از بردگی و تحقیر طبقاتی، نقطه عطفی مهم و فراموش نشدنی در حیات طبقه کارگر است. مارکس در گرماگرم رویدادهای کمون در نامه ۱۷ آوریل خود به کوگلمان مینویسد: مبارزه طبقه کارگر علیه طبقه سرمایه دار و دولت آن، با کشمکش پاریس وارد فاز جدیدی شده است. نتیجتاً بلاواسطه هرچه باشد، یک نقطه

فقر سر نوشت محتوم ما ...

خانۀ کارگر، نه اجلاس ۶ ماهه شورای عالی کار و نه دلسوزانندن مزورانه نماینده کارفرمایان و نه مستضعف پناهی دولت فوق ارتجاعی جمهوری اسلامی، که مبارزه روزانه طبقه کارگر با نظام حاکم، درجه قدرت متحد این طبقه در کشمکش روزانه و جدال همیشگی، درجه خودآگاهی این طبقه و توان و قدرت مشکل آن در این کشمکش بود.

حداقل دستمزد ۳۰۳ هزار تومانی، آزاد سازی قیمتها، تورم پیش بینی شده ۵۰ درصدی، همگی نشان دهنده موقعیت وخیم طبقه کارگر در سال ۸۹ و نشانه عقب نشینی است که بورژوازی ایران توانست در یکسال گذشته به طبقه ما تحمیل کند. این عقب نشینی را به همین روشنی در تحمیل اختناق به کل جامعه و در راس آن به آزادیخواهی کارگری و شوراهای اسلامی و آمارهای دروغین بانک مرکزی، قرار نیست لطمه ای به منفعت صاحبان سرمایه در این جامعه بزند. اگر جلسه و شور و مشورتی و اگر احیاناً در این مورد هم اختلافی با هم داشته اند، نه در اصل استثمار نیروی کار طبقه کارگر، بلکه در سنجش میزان توان طبقه سرمایه دار در تحمیل شرایط غیر انسانی کار و زندگی بر طبقه کارگر است.

حداقل دستمزد ۸۹ قبل از هر چیز نشانگر توازن میان نیروی ما و صاحبان سرمایه و دولت متبوع آنان با همه دستگاه سرکوب و تحمیق شان است. آنچه میتوانست کفه این ترازو را به نفع طبقه کارگر کمی سنگینتر کند، نه "کار کارشناسانه" کمیته دستمزد و کتار رقتن امروز و فردای جمهوری اسلامی، که بخش عمده اپوزیسیون ایران و خصوصاً چپ بورژوائی وعده آنرا میداد، همین دولت و نظام حاکم در ایران در جدال با طبقه کارگر چنان دست بالا را پیدا کرد که دستمزد را یک پنجم خط فقر تعیین کند.

این حقیقت یک بار دیگر نشان داد که "انقلاب" سبز و تحرک و اعتراضاتی که زیر چتر سبز صورت گرفت، برای طبقه کارگر ایران و صف آزادیخواهی چیزی جز حاشیه ای کردن اعتراض این راییکال ما همراه نداشتند. این حقیقت نشان داد که تبلیغات دروغین "انقلاب"، "انقلاب" و اعتراض برای "آزادی" و "رفاه" مردم، تنها مهندسی افکار برای بسیج نیروی ما در جنگ باندهای بورژوازی حاکم و در خدمت آنان بوده است. بر متن وعده "انقلاب" سبز و "عقب نشینهای" هر روزه جناح

دادگستری آلمان و دولت

سوئڈ

احکام جمہوری اسلامی علیہ

شخصت های اپوزیسیون را،

فاقد کمترین اعتباری اعلام

کردند!

بنیال اعتراضات گسترده فعالین "کمپین ایست" و فعالیت های دوستداران حزب حکمتیست، دولت و

مقامات قضائی آلمان و سوئڈ، احکام دادگاههای سیاسی جمهوری اسلامی علیه شخصیت های اپوزیسیون و معرفی آنها به اینترپل، را فایده اعتبار اعلام کردند.

پلیسی آلمان و مسئول حفاظت اطلاعات پلیس آلمان طی نامه ای رسماً خطاب به صالح سرداری، - از شخصیت های اپوزیسیون که جمہوری اسلامی به اینترپل معرفی کرده است- اعلام کرد کہ: ".... بنیال تصمیم وزارت دادگستری دولت آلمان حکم بازداشت شما، به درخواست جمہوری اسلامی و اینترپل، در آلمان از هیچ اعتباری برخوردار نبوده و نیست."

پیش از این ہم نماینده وزارت خنثی شدن کمپین جمہوری اسلامی و طرح توطئه تروریستی آن علیہ شخصیت های اپوزیسیون، در شرایطی کہ این رژیم بر دریایی از نفرت و انزجار مردم ایران تکیہ زده است، ضربه مهمی از جانب آژانخواهان و

اروپا، تلفن: 02032873558 (44)
آمریکای شمالی، تلفن:
0014168167201
Stop.terror.conspiracy@googlemail.com

اقدام به انتشار اسم، عکس، و مشخصات دهها تن از چهره های معروف و فعالان سیاسی نموده و از آنها به عنوان جنایتکار و تروریست هایی که تحت تعقیب میباشند نام برده است.

عنوان شکنجه استفاده میشود. به زنها به خاطر داشتن فعالیت سیاسی تجاوز میشود به عنوان شکنجه ایی که آنها را در انتظار دیگران و همسرانشان خرد کند. ما کیس های مستندی را در مورد تجاوز به مردان و حتی کودکان را در آن کشور داریم .

بسیار تعجب آور است کہ اینترپل به تقاضای دادگاه های مسخره که در محاکمه سیستماتیک نویسندگان - روزنامه نگاران و فعالان حقوق بشر ایران دست دارن جواب میدهد. ... من نگران این هستم کہ این عمل یک الگوی جدید برای دیگر دولت های سرکوبگر بشود کہ بتوانند خودسرانه از اینترپل برای ترساندن بازماندگان

را از هر گونه عمل یا دخالت سیاسی، نظامی، یا مذهبی یا تبعیض نژادی منع می کند. ... ما انتظار داریم کہ در همخوانی با قانون خونتان، اینترپل این تقاضای دولت ایران را کہ ریشه سیاسی دارد نادیده (یا بی اعتنایی کند) بگیرد. این باعث ترویج اعتبار و پرونده اینترپل خواهد شد.

انگیزه های مادی آتش جنگ و کینه را روشن می کند اما نمی توان نقش برجسته دین را در شعله ور کردن این آتش انکار کرد. حداقل تصاحب اموال غیر مسلمانان در تاریخ اسلام سابقه درخشانی دارد و محمد جنگ علیہ یهودیان مدینه را با هر بهانه ای برای تصاحب نخلستان ها، زنان و مزارع آباد آنها انجام داد.

بیشتر قربانیان روز هفتم مارس در نجریه افراد ناتوانی اعم از کودکان، زنان و سالخوردهگان بودند کہ نتوانسته بودند از مهلکه بگریزند و تعداد دیگری هم در تله ها و تورهای ماهیگیری به دام افتاده بودند. در میان کشته شدگان کودکان چند ماهه و یک نوزاد چهار روزه هم وجود داشته کہ ساطور، مخمل وجودش را به نو تکه گوشت تبدیل کرده بود. قساوتی کہ در این کشتارها بکار رفته است تنها می تواند حاصل یک نفرت مذهبی، قومی و یا ترکیبی از هر دوی اینها باشد کہ در نزدیکترین ایستگاه همیگر را ملاقات می کنند.

تلخیصی از "نامه "مرکز

کانادایی حمایت از شکنجه

شدگان " به اینترپل "

آقای رونالد کننت نوبل

دبیر کل اینترپل

ما در مرکز حمایت از قربانیان شکنجه در کانادا از سو استفاده قرار گرفتن اینترپل توسط دولت ستمگر ایران بسیار شوکه و اندو هناک شدیم. اینترپل بر اساس اطلاعات دریافت شده از دادستان بنام شیراز و دادگاه سندج

سیف خدایاری

ساطور دین

با اینکه نظریه پردازان ادیان رسمی و غیر رسمی در مجامع عمومی و سالن کنفرانس ها تلاش می کنند چهره هر چه ملایم تری از ادیان خود را به نمایش بگذارند و ریاکارانه جنگ های بین ادیان را به تاریخی نور و حداقل به جنگ های صلیبی حواله دهند، شواهد کافی در دسترس است کہ جنگ های مذهبی هیچ گاه از جامعه رخ بر نیسته است. حتی جنگ های بزرگ قرن گذشته بدون پشتوانه دینی نمی توانست سرباز کافی برای جبهه های جنگ تأمین کند. نمونه ها فراوان هستند و خونتان می توانید ماجرا را در خمینی ها، طالبان ها، بن لادن ها، بوش و بلرها و هزاران چهره منحوس دیگر دنبال کنید.

کشتارهای مذهبی با سببیت هر چه بیشتری هر روز در گوشه و کنار دنیا تکرار می شود. هفتم مارس ۲۰۱۰ در

یک قصابخانه تمام عیار ۵۰۰ نفر از ساکنان " مسیحی " سه روستا توسط ساطور و تبر مجاهدان الله سلاخی شدند و در میان آتش خانه هایشان سوزانده شدند.

گفته می شود این حمله به تلافی جنگی صورت گرفته است کہ دو ماه قبل، بیش از ۳۰۰ نفر از افراد " مسلمان " را در این ناحیه به کام مرگ فرو برده بود و هر دوی اینها ادامه ژنوساید مذهبی ای است کہ از سال ۲۰۰۱ در این منطقه از نجریه بیش از سه هزار نفر قربانی گرفته است و البته به اندازه کافی و برای یک جنگ تمام عیار مذهبی نفرت و خشم در میان ساکنان آن بوجود آورده است.

اتاق فکر این جنایات یعنی کلیسا و مساجد برای حفظ ساحت مقدس ادیان خود سعی می کنند جنگ را به مسائلی نظیر نزاع بر سر تصاحب زمین های کشاورزی " مسیحیان " توسط "مسلمانان" بیابانگرد و سایر انگیزه های مادی تقلیل دهند و دست دین را از این ماجراها بشویند. قطعاً همیشه

مرگ بر جمہوری اسلامی!

حسین مرادبیگی

رویدادهای یونان

تجربه ای دیگر

آنچه که این روزها در یونان میگذرد، خبر از عمق و دامنه بحران اقتصادی میدهد که از حدود دو سال قبل تمام جهان سرمایه داری را در بر گرفت و همچنان ادامه دارد.

اخراج و بیکارسازی بخش وسیعی از طبقه کارگر، تشدید کار، کاهش دستمزدها، افزایش قیمتها برای تامین ارزش اضافه بیشتر و در کنار آن بلعیدن سرمایه و ابزار تولید سرمایه های کوچک تر، همانطور که مارکس موشکافانه نشان داده است، آن مکانیزمی هستند که سرمایه با شروع ناگهانی کاهش نرخ سود، برای

ترمیم خود و کاهش بحران و از سر گرفتن دور دیگری از انباشت خود به کار میندازد.

دولت یونان ورشکست شده است. بانکهای کشورهای سرمایه داری به شرطی حاضرند به این دولت وام بدهند که هزینه های دولت را کاهش دهد و این نه از کیسه سرمایه داران که به قیمت زدن بیمه های اجتماعی، کاهش خدمات، پلنین آوردن ۱۰٪ از دستمزد کارگران تمام میشود. کارگران و دیگر مردم محروم در اعتصابات چند روز اخیر خود شعار میدادند چرا با یورش به معیشت روزانه آنها و نه از کیسه سر ریز سرمایه داران باید هزینه دولت را کاهش دهند؟ جواب دولت یونان و دیگر کشورهای سرمایه داری بویژه در این دوره این بوده است که اگر به کیسه سرمایه داران نست بزنند، آنان سرمایه های خود را از این کشورها خارج خواهند کرد! و با این، توده کارگر و

این نیست که مبارزه اقتصادی و اعتراض خود را به سیاست گره بزند و قدرت دولتی سرمایه داران را به مصاف به طلبد. پیشروی در مبارزه اقتصادی کارگران و عقب نشاندن دولتهای سرمایه داری در گرو این است. وگرنه همانطور که بارها و اکنون شاهد آنیم، دولتهای سرمایه داری تحمیل بیکاری و فقر بیشتر را به نام "ریاضت کشی" به طبقه کارگر و به جامعه تحمیل کرده و سرمایه هم مجدداً از قبل یورش به معیشت روزانه طبقه کارگر خود را ترمیم و بحران را تا شروع دور دیگری، پشت سر خواهد گذاشت. تناسب قوای بین طبقه کارگر و سرمایه داران که لازمه سازماندهی چنین تعرضی به قدرت سیاسی دولتهای سرمایه داریست، در گرو اتحاد کارگر شاغل و بیکار و درک ضرورت یک مبارزه هماهنگ علیه سرمایه داران و دولتهایشان است.

انتخابات و تشدید ناامنی...

را هم به دیگر مسائل افزود که در جوار نیروهای آمریکائی مثنی احزاب ملیشایی مسلح مناطق مختلف عراق را تحت کنترل خود دارند و هر کدام از این ها با اتکا به زور اسلحه مردم مناطق تحت کنترل خود را وادار به اطاعت از خود میکنند. نتیجتاً انتخاباتی از این دست و با اتکا به زور و قلدری نیروهای مسلح در هر منطقه ای به نفع گروه حاکم ختم میشود، به اعتباری دیگر اراده و حق رأی مردم به هیچ عنوان تعیین کننده نیست.

علیرغم همه این اوضاع، حزب کمونیست کارگری عراق زمینه های شرکت در انتخابات را با وجود نواقص و کاستیهای متعدد بررسی

نارند. طبق این بند باید گفت که در کاندید شدن بر روی نسل جوان عراق بسته شد که این خود با ابتدائی ترین استانداردهای جهان معاصر در حق انتخاب شدن مغایرت دارد. در بند دیگری به شرایط تحصیلی کانیدها اشاره شده. طبق این بند هر کس مدرک پایان دبیرستان را نداشته باشد حق کاندید شدن ندارد. مطرح کردن این شرط با توجه به وجود جنگ و تاووم فقر و صدها مصائب دیگر و محروم بودن بخش عمده ای از مردم بویژه توده کارگر و زحمتکش از امکان تحصیل، زمینه محروم شدن آنان از کاندید شدن را نیز فراهم میسازد. طبق کدام معیار حق رأی دادن و کاندید شدن شهروندان بر اساس این ارزیابی می شود، که هر کس چه اندازه فرصت تحصیل و مدرک گرفتن را داشته یا نه؟

با استناد به همین دو بند میلیونها شهروند از حق کاندید شدن محروم شدند. علاوه بر این قانون ارتجاعی، فضائی سنگین و وحشتناک بر جامعه را ایجاد کردند. برای مثال اگر شهروندی کرد زبان میخواست به یک لیست غیرکرد رأی بدهد با خطر مرگ به اتهام "خیانتکار" روبرو میشد. همین فضا را البته جریانهای اسلامی سنی و شیعه و ناسیونالیستهای عرب نیز درست کردند.

در این حادثه ثروت عراق در دست دارودسته حاکمان قرار داشته و آنان نیز آشکارا با به گروگان گرفتن گرسنگی و فقر مردم رأی آنان را با پرداخت پول خریده و بازار گرمی را به این منظور به هم زده بودند. در این نمایش خود کانیدها مورد تهدید رقابتی لیسنهای دیگر قرار میگرفتند و فراتر از آن در این جریان وسیعترین تعرض علیه روزنامه نگاران و ژورنالیستها انجام گرفت تا جائیکه تعداد زیادی از

آنان به دلیل افشای این سناریو مورد ضرب و شتم قرار گرفتند.

درواقع باید گفت که در عراق به نوعی جنگی درگرفت. برای مثال دستگاههای اطلاعاتی به صراحت اعلام کردند که اگر مثلاً فلان لیست آرا کمی کسب کند و نتایج حاصله به سود آنان نباشد آماده بر پا کردن جنگ وسیع هستند.

کمونیست: از نظر شما نتایج این انتخابات و عواقب آن بر زندگی مردم عراق و طبقه کارگر عراق چیست؟

ریبوار احمد: نتایج این سناریو در درجه اول بدون شک این خواهد بود که حاکمیت این دستجات قومی و اسلامی را بر مردم تشدید و امکان قلدری آنان را افزایش خواهد داد. از سوی دیگر این پروسه نقش زیادی را در عمیق کردن و افزایش شکافهای قومی و عشیره ای در سطح عراق ایجاد نمود. در پروپاگاندا انتخابات حتی اگر بمنظور فریبکاری هم بوده هیچ جا سخنی از این نبود که اگر لیستی رأی بیلورد چه قدمهائی در جهت رفاه عمومی و تغییر در زندگی مردم بر میدارد و یا کدام معضل جامعه را حل خواهد کرد، بجای آن در تبلیغ این جریانها تأکید را روی این گذاشته بودند که شهروندان باید با توجه به هویت قومی و مذهبی به لیستها

رأی بدهند.

لازم به تأکید است که در متن این پروسه احزاب حاکم و نیروهای ملیشیا جریتر از قبل شدند تا جائیکه تهدید و سرکوب مخالفین را گسترش دادند. برای مثال مسعود بارزانی قوا صادر کرد که هر کس پیشمرگ را ملیشیا بخواند از کرستان اخراج خواهد شد، همچنین احزاب ناسیونالیست کرد گفتند طبق بینهش آنان هر کس مرتکب اقدامی شود که " به ضرر کرد" باشد، خیانتکار قلمداد شده و مجازات خیانتکار هم مشخص است!

همچنین باید گفت که این پروسه جامعه عراق را در مقابل خطر جنگ، نا آرامیهای جدید بر متن رقابت میان نیروهای قومی و مذهبی قرار داده است، بویژه چند روز قبل و بعد از انتخابات بیم شروع جنگ جامعه عراق را فرا گرفته بود. این مقاطع نقش زیادی در تضعیف اراده مردم دارد. با تسلط فضای ترس و وحشت، در دوره اخیر دستگیری، سرکوب و اعمال اختناق بیشتری صورت گرفت، در نواحی مرکزی و جنوب عراق تعرضات وسیع تروریستی براه افتاد که شواهد حکایت از اقدام متقابل نیروهای رقیب دارد.

نشریه حزب کمونیست کارگری حکمتیست

سردبیر: خالد حاج محمدی

www.hekmatist.com

کمونیست را بخوانید

کمونیست را بدست کارگران برسانید

کمونیست را تکثیر و توزیع کنید

به کمونیست کمک مالی کنید

